تحلیل عباس عبدی از بدترین رویکرد دولت در اقتصاد اطلاعات

سرویس سیاسی – متاسفانه دولت جدید هم در تولید و هم در عرضه اطلاعات سختگیری می‌کند و هم در زمینه زیرساخت اینترنت متناسب با تحولات جهانی حرکت نمی‌کند و یکی از ضعیف‌ترین خطوط اینترنتی را داریم. به‌علاوه امنیت اطلاعات به دلیل مهاجرت نیروهای متخصص و دلایل دیگر تحت خطر جدی است که هک شدن انواع سایت‌ها نمونه آن است. از همه بدتر اینکه خود را هم در عمل بی‌نیاز از خدمات اطلاعاتی می‌دانند. چند روز پیش به همت برخی کارآفرینان فضای مجازی به تعدادی از روزنامه‌نگاران که در حوزه دیتا یا داده فعال هستند جایزه‌هایی داده شد که می‌تواند آغاز خوبی برای رشد روزنامه‌نگاری داده‌محور باشد. البته این در شرایطی که رویکرد رسمی در کشور بیگانه با اقتصاد اطلاعات است. جامعه‌ای که به این اقتصاد و زیرساخت‌های آن، یعنی اینترنت و گردش آزاد اطلاعات بی‌توجه باشد، هیچ تحول بلندمدت و چشمگیری در اقتصاد را نمی‌تواند انتظار داشته باشد. به ویژه در عامل بهره‌وری که قرار است حداقل نیمی از رشد اقتصادی کشور را افزایش بهره‌وری تامین کند. اگر سیر جوامع بشری را مرور کنیم از جهت عوامل تولید تغییراتی را در این سیر مشاهده خواهیم کرد در جوامع اولیه که نیازهای زندگی از طریق گردآوری دانه و شکار تامین می‌شد، عامل اصلی تولید، نیروی کار ساده بود. در جوامع کشاورزی زمین اولویت اول را پیدا کرد و نیروی کار هم تا حدی باید در امر کشاورزی مطلع باشد. در جامعه صنعتی سرمایه، زمین و نیروی کار در کنار یکدیگر نقش عوامل تولید را ایفا می‌کنند با این تفاوت که نیروی کار باید ماهرتر و آموزش دیده‌تر باشد. اما در جامعه فراصنعتی؛ نیروی کار، زمین، سرمایه به‌علاوه اطلاعات عوامل اصلی تولید هستند و نقش نیروی کار و اطلاعات روزافزون است. گرچه در همه دوره‌های چهارگانه فوق اطلاعات و دانش تا حدی حضور دارند و به مرور بر نقش آن هم افزوده می‌شود، اما در جهان اطلاعاتی، نقش اطلاعات در رشد اقتصادی و دانش تحولی کیفی پیدا کرده و به منبع اصلی ارزش افزوده تبدیل می‌شود. این یافته فقط مربوط به سال‌های اخیر نیست بیش از نیم قرن قبل محققان نشان داده بودند که تنها بخش کوچکی از رشد کشورهای صنعتی ناشی از افزایش سرمایه بوده، و بخش اعظم آن ناشی از آموزش نیروی کار و تولید اطلاعات در قالب تحقیق و توسعه (R&D) بوده است. در این مرحله نقش و سهم نیروی انسانی متخصص نیز نسبت به گذشته افزایش پیدا می‌کند این تحول را به نحو دیگری هم می‌توان نشان داد. اگر سهم تاریخی ماده و انرژی و اطلاعات را در قدرت و ایجاد ارزش افزوده مقایسه کنیم، به مرور از سهم اولی کاسته و به دومی اضافه شده و در مرحله پیشرفته‌تر سهم اطلاعات نیز در حال فزونی یافتن بر سهم انرژی و ماده است. اهمیت این تحول به گونه‌ای است که بخش‌بندی سنتی اقتصاد (به سه بخش کشاورزی، صنعت و خدمات) در حال تجدید نظر و بخش چهارم اقتصاد یا همان بخش اطلاعات از دل سایر بخش‌ها بیرون آمده است. این بخش شامل تولید اطلاعات، اشتراک‌گذاری و انتشار اطلاعات، مشاوره، آموزش و تحقیق و توسعه و موارد مشابه می‌شود. بخش چهارم بخشی است که شرکت‌ها به منظور توسعه و ارتقای خود، در آن سرمایه‌گذاری می‌کنند، تحقیقات می‌تواند در زمینه کم کردن هزینه‌ها، افزایش بهره‌وری، تولید ایده‌های خلاق و روش‌های نوین در تولید موثر باشد. این تحولات موجب شده است که صاحب‌نظران بکوشند تا تصویری تحلیلی‌تر از روند موجود ارائه بدهند و آن را تئوریزه کنند. اقتصاد اطلاعات شامل تولید داده، دسترسی به آن و تحلیل داده است. از منظر اقتصاد ویژگی داده به عنوان یک کالا با سایر کالاها تفاوت دارد. تا حدی کالای عمومی است و تولید و عرضه آن به عهده دولت است ولی کالای خصوصی هم هست که باید مردم در استفاده از آن پیشگام شوند. اینترنت، زیرساخت اساسی برای دسترسی و تولید و انتقال و حتی تحلیل اطلاعات و تبدیل آن به کالای نهایی برای مصرف است. متاسفانه دولت جدید هم در تولید و هم در عرضه اطلاعات سختگیری می‌کند و هم در زمینه زیرساخت اینترنت متناسب با تحولات جهانی حرکت نمی‌کند و یکی از ضعیف‌ترین خطوط اینترنتی را داریم. به‌علاوه امنیت اطلاعات به دلیل مهاجرت نیروهای متخصص و دلایل دیگر تحت خطر جدی است که هک شدن انواع سایت‌ها نمونه آن است. از همه بدتر اینکه خود را هم در عمل بی‌نیاز از خدمات اطلاعاتی می‌دانند. با اطمینان می‌توان گفت آینده اقتصاد هر جامعه‌ای در گروی پیشرفت اقتصاد اطلاعات از جمله روزنامه‌نگاری داده‌محور و پژوهش و توسعه اینترنت و دسترسی آزاد به اطلاعات و سرمایه‌گذاری عمومی برای تولید داده است. روند همه این موارد در دولت کنونی یا کند شده یا متوقف یا معکوس.

روزنامه جمهوری اسلامی نوشت؛

وقتی انتخابات را مهندسی می‌کنید، نیازی به دشمن نیست که مشارکت انتخاباتی را کاهش دهد

سرویس سیاسی –در کشور ما عملکردها زمینه‌ساز ناامیدی مردم و دور شدن آنها از صندوق‌های رأی هستند. این زمینه‌سازی بقدری شدید است که با وجود این عملکردها نیازی به مداخله دشمن در کاهش مشارکت انتخاباتی نیست.

روزنامه جمهوری اسلامی نوشت؛ اگر طبق آمار رسمی ۵۹ درصد مردم کشورمان در انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی شرکت نکردند، برای این نیست که آنها کشورشان را دوست ندارند و یا به نقش مردم در مدیریت جامعه معتقد نیستند. در میان کسانی که در همین انتخابات اخیر از حضور در پای صندوق‌های رأی خودداری کردند، معتقدترین شهروندان به جمهوریت، دموکراسی، آرمان‌های انقلابی و نظام جمهوری اسلامی نیز دیده می‌شوند. این افراد، به ایران عشق می‌ورزند و برای اعتلای کشور و تقویت نظام نیز فداکاری‌ها کرده‌اند و باز هم آماده فداکاری هستند ولی به نحوه مدیریت کشور ایراد و اعتراض دارند و با رأی ندادن اعتراض خود را نشان داده‌اند. آنچه در این ماجرا مهم است اینست که مسئولان ارشد نظام این واقعیت را درک کنند که عامل اصلی دور شدن اکثریت مردم از صندوق‌های رأی عملکرد متصدیان مدیریت جامعه است. تلاش دشمن برای فاصله ایجاد کردن میان مردم و صندوق‌های رأی را نمی‌توان انکار کرد ولی واقعیت اینست که این تلاش فقط وقتی به نتیجه می‌رسد که در داخل کشور زمینه‌های فاصله گرفتن فراهم باشد. به عبارت روشن‌تر، اگر عملکرد مسئولین باعث ناامیدی و ایجاد مشکل برای مردم نباشد، از دشمن کاری برنمی‌آید و تلاش دشمن به نتیجه نخواهد رسید. متأسفانه در کشور ما عملکردها زمینه‌ساز ناامیدی مردم و دور شدن آنها از صندوق‌های رأی هستند. این زمینه‌سازی بقدری شدید است که با وجود این عملکردها نیازی به مداخله دشمن نیست. مهندسی انتخابات، فشارهای اقتصادی و برخوردهای مختلف در زمینه آزادی‌های مشروع را بگونه‌ای پیش می‌بریم که دشمنان را از هر نظر بی‌نیاز از تلاش و توطئه می‌کنیم. این، ما هستیم که مردم را از حق انتخاب کردن محروم می‌کنیم و زمینه را برای شادی دشمن فراهم می‌نمائیم. دشمنان ایران برای کسانی که اقتصاد را به مرحله‌ای از بحران رسانده‌اند که فقر هر روز بیشتر می‌شود، کف می‌زنند و از آنها تشکر می‌کنند. آنچه بسیار عجیب و بهت‌آور است اینست که مسئولان حاضر نیستند بپذیرند که عملکرد خودشان عامل اصلی دور شدن مردم از صندوق‌های رأی است. آنها دوست دارند همه چیز را به گردن دشمن بیندازند و کارنامه خود را درخشان و افتخارآمیز جلوه دهند. این توهم تا هر زمان که ادامه داشته باشد هیچ مشکلی از روابط میان مردم و مسئولین حل نخواهد شد. کارگزاران نظام باید حرف مردم را بشنوند و به خواسته‌هایشان عمل کنند تا این مشکلات را برطرف نمایند. صریح‌ترین و رساترین حرف را مردم در همین انتخابات ۱۱ اسفند زده‌اند. اکثریت مردم در این انتخابات به مسئولین با صراحت اعلام کردند گرانی‌ها کمرشان را خم کرده، بی‌صداقتی‌ها اعتمادشان را سوزانده و مهندسی انتخابات حق انتخاب را از آنها سلب کرده است.

واکنش پزشکیان به اظهارات نماینده اصفهان:

به همین خیال باشید تا درست شود!

■ **مسعود پزشکیان نماینده تبریز در خصوص اظهارات اخیر امیرحسین بانکی پور گفت: در نتیجه مردم نسبت به بانکی پور و تفکر او مسأله‌دار می‌شوند. ممکن است که حرف او راست باشد، ولی نوع گفتن و راه‌حل او غیر ممکن و شدنی نیست.**

سرویس سیاسی –هر چه به ۱۱ اسفند نزدیک‌تر می‌شدیم؛ حواشی مختلف نسبت به آن بیشتر شد؛ از رد و تائید صلاحیت‌ها گرفته تا دادن لیست های متعدد؛ و تا به امروز، جدل بر سر ریاست مجلس. مسعود پزشکیان نماینده فعلی تبریز و منتخب مجلس آینده در این باره به گفت و گو نشسته است.

انتخابات مجلس دوازدهم را با وجود حواشی بسیاری که داشت، پشت سر گذاشتیم؛ اما نکته حائز اهمیت آرای باطله بود، حال تحلیل شما در این باره چیست؟ بارها گفتم؛ مشکل اصلی این بوده که عده‌ای با وجود سلایق، عقاید و قومیت‌های مختلف باید می‌آمدند، از سویی عده‌ای به خاطر جّوی که وجود داشت، احتمال می دادند تائید صلاحیت نشوند و به این خاطر نیامدند؛ تعدادی نیز آمدند، اما تائید صلاحیت نشدند. طبیعتا وقتی از یک جناح، دسته و یک طرز تفکر هر کسی را که می‌خواهند به صحنه بیایند، اجازه دهیم؛ و به طرف مقابل اجازه ندهیم که حضور پیدا کنند، بلکه این اجازه به رده سوم و چهارم آنها داده می‌شود، طبیعتا مشارکت کاهش می‌یابد. یک عده دلشان می‌خواهد در انتخابات شرکت کنند، اما فردی را ندارند که به آن رأی بدهند و آن‌هایی که حضور دارند را هم نمی‌خواهند و طبیعتا رأی باطله می‌دهند. اما آن فرد دلش با انقلاب و کشور است و در چهارچوب باورهایش، مملکت، انقلاب و سیستم را قبول دارد، ولی با این روند کاری کرده اند که او رأی باطله بدهند.

یک تعدادی هم به اجبار آمدند و رأی دادند، علی‌رغم اینکه دل آن‌ها هم نمی‌خواست ولی چاره‌ای نداشتند و باید انتخاب می‌کردند. من بارها گفته‌ام، در جلسه‌ای که رئیسی ریاست محترم جمهور دعوت کرده بودند، به ایشان عرض کردم؛ اگر من جای شما بودم قبل از اینکه هیئت‌های اجرایی شروع به قلع و قمع کنند جلسه را می‌گذاشتم. دوم، خودم می‌رفتم از یک دسته افراد شاخص، سرشناس، مورد اعتماد مردم خواهش می‌کردم که خودشان بیایند ثبت نام کنند؛ از آن طرف با شورای نگهبان صحبت می‌کردم که اجازه دهند که برای افراد پرونده‌سازی نکنند که این‌ها بدون مشکل بتوانند حضور داشته باشند. مقام معظم رهبری نیز از ابتدای سال می‌گفتند که کاری کنید مردم پشت صندوق‌های رأی بیایند. این نتیجه به تصور من باعث می‌شد که مردم به خاطر آن‌ها به پای صندوق‌های رأی آمده و رأی می‌دادند و از طرفی حتی اگر ۱۰-۲۰ نفر از کسانی که آن‌ها را نمی‌خواهند به مجلس می‌آمدند؛ حتی اگر اتفاق خاصی نمی‌افتاد، ولی مشارکت افزایش پیدا می‌کرد. اما این‌ها نه تنها این کار را نکردند، حتی آن‌هایی که آمده بودند را رد صلاحیت کردند. در دور اول نیز هیئت‌های اجرایی صلاحیت ما را ندادند، به تصور آنها ما صلاحیت نداشتیم! چرا باید مقام معظم رهبری در این امر دخالت کند و از این‌ها سوال کند که چرا این کارها را می‌کنید؟! و امروز بعد از انتخاب‌هایی که در تهران صورت گرفت شروع کردند علیه همدیگر به بی‌ادبی، بداخلاقی کردن که به نظر من کاری درستی نیست و در نتیجه رهبری بگوید که هنوز نرسیده دعوا راه نندازید! کشور به وحدت، انسجام، منطق و علم نیاز دارد و ما اگر می‌خواهیم که مملکت درست شود؛ ابتدا باید همه را بازی دهیم و دوم، به آنهایی که عالم و کارشناس هستند و زحمت کشیده‌اند احترام بگذاریم و در آخر، به هر کسی اجازه ندهیم که علیه آن‌هایی که در این مملکت زحمت کشیدند، پرونده سازی و هو کنند.

اجازه بدهند که صدای همه مردم در مجلس شنیده، دغدغه‌ها و دردهای آن‌ها گفته شود

نظر شما در مورد رأی ندادن سید محمد خاتمی چه بود؟

من نمی‌دانم؛ بالاخره تحلیلی است که آقای خاتمی ریاست محترم جمهور قبلی ما داشتند و به نظر من ایشان خیلی آدم شریفی هستند. به هر حال بنده اعتقاد داشتم که باید بیایند، اما آن‌ها را حذف کردند، در عین حال مقام معظم رهبری مداخله کرد، چرا که با آمدن امثال ما یک عده افراد می‌آیند و اگر ما نمی‌آمدیم قطعا نمی‌آمدند. این‌ها اگر می‌خواستند که مشارکت افزایش پیدا کند باید افرادی مانند ما را و البته خیلی از افرادی هستند که در این انقلاب ممکن است، اعتقاد و باور ما را نداشته باشند ولی مال این مملکت هستند، را اجازه حضور می‌دادند. چرا که یک عده هم طرفدار آن‌ها هستند؛ چرا نباید این‌ها کرسی در مجلس داشته باشند؟ اگر قانونی مصوب شد که خلاف شرع است شورای نگهبان آن طرف ایستاده و می‌گوید که آن چیزی که شما مصوب کردید خلاف شرع است.

ولی اجازه بدهند که صدای همه مردم در مجلس شنیده، دغدغه‌ها و دردهای آن‌ها گفته شود. ولی نهایتا یک تصمیم می‌گیرند که عقل جمعی این صدا را قبول دارد ولی اجازه دهند که آن صدا شنیده شود، ما اجازه نمی‌دهیم که تنها صدای یک گروهی از مردم شنیده شود فقط یک دسته می‌خواهند که صدای خودشان شنیده شود بعد خیال می‌کنند که مردم همان‌هایی هستند که این‌ها از آن می‌گویند، وقتی مردم از یک دسته و جناحی حرف می‌زنند تنها یک قسمتی از کل هستند. یک قسمتی از مردم اصلا آن‌ها را قبول ندارند، یک قسمتی اصلا من را قبول ندارند، قرار نیست که اگر من را قبول نداشته باشند بگوییم مردم نیستند و این کاملا غیر منطقی است.

آقای ثابتی و افرادی که آمدند، چه پشتوانه و فعالیت علمی، کارکردی در این کشور دارند؟!

به بعد از انتخابات بپردازیم و در کمال ناباوری شاهد بودیم محمد باقر قالیباف چهارم می‌شود! تحلیل شما در این باره چیست؟

وقتی بداخلاقی‌ها در سیستم رشد می‌کند، تهمت و انگ زدن را شاهد هستیم، در این مملکت که سهل است در کل دنیا آدم بی‌عیب پیدا نمی‌کنید. «باد خزان در چمن دهر مرنج/فکر معقول بفرما گل بی خار کجاست؟»

اگر به دنبال آدم بی‌نقص می‌گردند پیدا نمی‌کنند، اصلا وجود ندارد. ما باید مجموع این ناتوانی‌ها و توانمندی‌ها را کنار هم قرار دهیم، از توانمندی همه افراد استفاده کنیم، سعی کنیم آن نقص‌ها و ناتوانی‌ها را نادیده بگیریم تا به جایی برسیم. وگرنه بگردیم از افراد نواقص پیدا کنیم و حذف کنیم، اصلا کسی در این مملکت نمی‌ماند. یک ضرب‌المثل انگلیسی بود که می‌گفت، «ما آدمی را پیدا کردیم که عیب نداشت و ۴۰۰ سال بود که هیچ عیبی مرتکب نشده بود و آن هم یک مجسمه بود.» مگر می‌شود که آدم کار کند و عیبی نداشته باشد. فردی که در حال حرکت است حتما یک مشکل پیدا می‌کند. زمانی قصد دارم این خلاف‌ها را انجام دهم یک وقت هم نه، آدم اشتباه می‌کند، براساس اشتباه که آدم‌ها را حذف نمی‌کنند! یک آقایی می‌آید و حداد عادل را زیر سوال می‌برد! حداد عادل قطعا عیب دارد، اما در این مملکت برای خود یک شخصیتی است. اول آمدند خاتمی و موسوی و... را زدند، از آن‌ها گذشتند و امروز خودی‌ها را می‌زنند! حال دیگر کسی نمی‌ماند. آقای ثابتی و افرادی که آمدند، چه پشتوانه و فعالیت علمی، کارکردی در این کشور دارند؟! اگر بخواهند کار کنند، عیب پیدا خواهند کرد و وقتی که عیب پیدا کنند برای آن‌ها هم پرونده‌سازی خواهد شد. مدیریت کردن و اداره کردن سیستم با اداره کردن مملکت متفاوت است، با این روند علی می‌ماند و حوضش و هیچکس نمی‌ماند.

بین تئوری و حرف فاصله‌ای نیست!

پیش‌بینی شما از این دو قطبی پیش آمده چیست، دو قطبی که امروز در جامعه به وضوح دیده می‌شود؟

خیلی خوب است، به نظر من این روند دارد ذات قضیه را نشان می‌دهد. چون این‌ها ادعا می‌کردند که گذشته‌ها بد و فاسد هستند و ما این کار و آن کار را می‌کنیم. به قولی «چون محک تجربه آید به میان/ خود سیه‌روی شود هر که در او غش باشد» این‌ها ادعا می‌کردند ۸۰ درصد مشکل مربوط به مدیریت است و فقط ۲۰ درصد برای تحریم‌ها است؟! خب چرا آن را درست نمی‌کنند. الان که تورم چندین برابر شده، دلار ۲۰ هزار تومانی به ۶۰/۷۰ هزار تومان میرسد و بدتر هم خواهد شد. گوشت ۱۰۰ هزار تومانی ۷۰۰ هزار تومان و مرغ ۲۵ هزار تومانی ۱۲۰ هزار تومان رسیده است، حال چرا آن را درست نمی‌کنند؟ حرف و تهمت زدن و ادعا کردن ساده است، اینکه بتوانی در عمل راه را بروی و اجرا کردن آن به سادگی نیست. مگر نمی‌گفتند که ۱ میلیون مسکن می‌سازیم، ۴ سال تمام شد. اگر ۸ سال دیگر هم تمام شود باز هم در سال یک میلیون نمی‌شود. اگر در ۸ سال ۱ میلیون مسکن بسازند من اسم خود را عوض می‌کنم! بین تئوری و حرف فاصله‌ای نیست! وقتی حرف می‌زنی با اینکه بله من اله می‌کنم و بله می‌کنم و من اصلا هواپیما درست می‌کنم که چنان برود هوا که فلان بشود، اصلا من را بگذارند هواپیما سهل است من دوچرخه هم نمی‌توانم درست کنم، ولی ادعا می‌کنم که هواپیما می‌سازم!

یکی ادعا می‌کند که با یک میلیون تومان اشتغال درست می‌کند، بعد یک عده هم گول این آدم را می‌خورند و می‌گویند که این فرد چقدر توانایی دارد که با یک میلیون می‌خواهد یک خانه درست کند. مسخره نیست؟ و او را باور می‌کنند. یکی مار را می‌کشد و یکی هم مار را می‌نویسد، می‌گویند آره این راست گفته است.

تصور نمی‌کنم که این آقایانی که با تندروی و این حرف‌ها می‌آیند بتوانند کرسی در مجلس داشته باشند

در این میان جدل‌ها بر سر ریاست مجلس را چطور تلقی می‌کنید؟

نظر خاصی ندارم ولی تصور نمی‌کنم که این آقایانی که با تندروی و این حرف‌ها می‌آیند بتوانند کرسی در مجلس داشته باشند. در عوام شاید بتوانند کارهایی را پیش ببرند که آن‌ها تصور کنند، راست می‌گویند، ولی حرف خوب زدن که هزینه ندارد. می‌خواهید تا دلتان بخواهد ما حرف خوب بزنیم، ۴۵ سال ما به مردم حرف‌های خوب خوب می‌زنیم، روز به روز وضعیت زندگی مردم را بدتر و بدتر می‌کنیم، حرف که می‌زنیم خیلی خوب است، ولی وقتی که می‌آییم عمل کنیم نتیجه آن این است که در جامعه همه مشکل پیدا کردند و همه نسبت به ما مسأله‌دار شده‌اند. این‌ها هم اینطوری است؛ فکر نمی‌کنم بالاخره وقتی محک تجربه آید این‌ها معلوم خواهد شد که این‌ها اصلا قانون‌گذاری هم نخواهند توانست انجام دهند.

قانون‌گذاری خودش یک مهارت می‌خواهد یک علم و پشتوانه و تجربه می‌خواهد، آدمی که هیچکدام از این‌ها را ندارد، اصلا فردا به دست گرفت چگونه می‌خواهد قانون‌گذاری کند؟ با چه تجربه و پشتوانه‌ای؟ کجا از این کارها کرده‌اند که اینجا می‌توانند این کارها را بکنند؟

اینکه گفته می‌شود در برخی شهرها، رأی خرید و فروش شده تا چه اندازه صحیح است؟

وقتی سیستم ما سیستم ناکارآمدی است از این کارها تا دل شما بخواهد وجود دارد. نشان می‌دادند طرف لیست کدهای ملی را وارد کرده و به اسم آن‌ها پشت سر هم رای می‌دهد. طرف می‌گوید که اصلا من رای ندادم اما به او گفتند که تو رای دادی و فلان جا هم رای داده‌ای! حالا بیا و ثابت کن آقا من رای نداده‌ام.

اگر فردی بدون اجازه دیگری از رفتار و گفتار او عکس و فیلم بگیرد، کاملا خلاف شرع عمل می‌کند

اگر بخواهیم به موضوعات روز بپردازیم، چند روز پیش در قم شاهد عکسبرداری فردی روحانی از یک خانم بودیم. آیا اینگونه تنش ها را به صلاح می‌دانید؟

اگر فردی بدون اجازه دیگری از رفتار و گفتار او عکس و فیلم بگیرد، کاملا خلاف شرع عمل می‌کند؛ حالا بقیه‌اش بماند.

وزیر کشور مگر شرع است؟ مگر هرچه که این‌ها گفتند شرع و قانون است؟

این اجازه را وزیر کشور داد

وزیر کشور مگر شرع است؟ مگر هرچه که این‌ها گفتند شرع و قانون است؟ وزیر کشور که زمین و زمان را با دوربین چک میکند. با چک کردن نمی‌شود رفتار را عوض کرد. یکی از آن کارها نظارت است، ولی اخلاق و رفتار انسان‌ها را با تغییر ذهنیت می‌شود درست کرد. شما با دستور نمی‌توانید به بچه، خواهر و برادر خودتان بگویید این برادر و بچه آدم است ولی من نمی‌توانم به بچه خود به زور امر کنم که این کار را نکن و این کار را بکن، قبول نمی‌کند. چکار کنم اگر قبول نکرد؟ او را بزنم؟ بیرون کنم؟ جریمه کنم؟ می‌شود؟

آنچه که در خانواده خود نمی‌توانیم انجام دهیم در جامعه انجام می‌دهیم و آن‌ها قبول نمی‌کنند؛ در نتیجه بدتر می‌شود. اگر این‌ها با ما عناد کردند، چه کنیم؟ بزنیم؟ زندان کنیم؟ اخراج کنیم؟ جریمه کنیم؟ روز به روز این‌ها را نسبت به خودمان و باورهایمان متنفرتر می‌کنیم.

اگر اعتقاد ما خوب است در رفتار نشان دهیم که خوب هستیم

اتفاقا برخی نگاه‌ها این موضوع به اسلام چسباندند

می‌گویم روز به روز این رفتار باعث می‌شود که مردم نسبت به باورهای ما موضع گرفته و تنفر پیدا کنند. می‌خواهند چکار کنند؟ اگر اعتقاد ما خوب است در رفتار نشان دهیم که خوب هستیم، نگاه، عملکرد ما خوب است. در این صورت مردم وقتی بیایند پیش ما راضی برمی‌گردند.

آقایان به جای اینکه فحش داده و بد و بیراه بگویند اول اخلاق خود را درست کنند

راهکار شما در این خصوص چیست که وضعیت سال گذشته تکرار نشود؟

راهکار خیلی ساده است. این آقایان به جای اینکه فحش داده و بد و بیراه بگویند اول اخلاق خود را درست کنند که من بگویم عجب آدم‌های خوش اخلاق و مهربانی هستند. بعد وقتی نگاه کنی ببینی عجب آدم‌های توانمند، خلاق، گره‌بازکنی هستند. من وقتی ببینم که این چه آدمی است بخواهم یا نخواهم عاشق او می‌شوم و به طرف او می‌روم و اصلا لازم نیست که او کاری کند. ما عاشق آن رفتار می‌شویم و دنبال راه می‌افتیم ولی وقتی دارد بد و بیراه می‌گوید و حرف‌های مفت می‌زند از این فرد متنفر می‌شویم.

مردم نسبت به بانکی پور و تفکر او مردم مسأله‌دار می‌شوند

مثل آقای بانکی پور که از جریمه سه میلیونی صحبت کرده است

در نتیجه مردم نسبت به بانکی پور و تفکر او مسأله‌دار می‌شوند. ممکن است که حرف او راست باشد، ولی نوع گفتن و راه‌حل او غیر ممکن و شدنی نیست. ۴۵ سال از این کارها می‌کنیم، اما چرا به نتیجه نرسیده است؟ بچه‌ای که دست ما بوده در مهد کودک، مدرسه، دبیرستان بودند و البته روحانیت و این آقایان نیز آنجا بوده‌اند و حاصل آن همین است. آن موقع که می‌توانستیم آن را اصلاح کنیم، نکردیم حالا می‌خواهیم آن را درست کنیم؟ به همین خیال باشند.

زیدآبادی فعال سیاسی:

قرار است این جماعت که سر نترسی دارند بر فضا غلبه کنند؟

سرویس سیاسی –به هر حال، فشارهای فزایندهٔ روانی این افراد بر یک مقام مسئول، بدون وجود یک حمایت مؤثر از داخل حکومت، معمولاً بی‌اثر نیست و سبب کناره‌گیری آن فرد از مسئولیتش می‌شود. طبعاً جماعت تندرو، همین را می‌خواهند، اما مفهوم آن برای جامعه نومیدی کامل از هرگونه اصلاح و تحول مثبت در ادارهٔ امور جامعه خواهد بود.

احمد زیدآبادی نوشت: به‌رغم آنکه یکایک مسئولان بلندپایهٔ نظام نسبت به دوقطبی‌سازی‌های اجتماعی و دامن زدن به آن، بارها هشدار داده‌اند، اما تلاش عده‌ای که خود را «انقلابی اصیل» و «ارزشی خالص» می‌دانند، برای ایجاد دوقطبی‌های بی‌ثبات‌کنندهٔ اجتماعی بی‌وقفه ادامه دارد.

این دسته از افراد که در پی انتخابات اخیر مجلس احساس پیروزی می‌کنند و اعتمادبه‌نفس تازه‌ای به دست آورده‌اند، با وقوع هر نوع درگیری و منازعهٔ اجتماعی بر آتش دوقطبی‌سازی، نفت می‌پاشند و آن را شعله‌ور می‌کنند.

بدبختانه، عموم مسئولان کشور چنانکه گویی و امدار این جماعت هستند و یا از واکنش آن‌ها بیم دارند، سکوت را بر موضع‌گیری در برابر رفتار آنان ترجیح می‌دهند و بدین‌وسیله، هم این جماعت را نسبت به ادامهٔ مسیر خود، مصمم‌تر می‌کنند و هم مردم عادی را نسبت به روند تحولات کشور بیش از پیش نگران می‌سازند.

در این میان، یکی از معدود افرادی که در قوهٔ مجریه بنا به مسئولیتی که به عهده‌اش گذاشته شده است در این گونه موارد سکوت خود را می‌شکند خانم سکینه سادات پاد است که سمت «دستیار رئیس‌جمهور در پیگیری حقوق و آزادی‌های اجتماعی» را به عهده دارد.

خانم پاد که دارای مدرک دکترای حقوق است معمولاً با لحنی که از نگاه یک منتقدِ جدی وضع موجود، محافظه‌کارانه، احتیاط‌آمیز و دوپهلو به شمار می‌رود، تلاش می‌کند تا نسبت به دوقطبی‌سازی جامعه بر سر مسائل و موضوعات اختلافی هشدار دهد.

وی پس از درگیری تأثرانگیز و تأسف‌آور اخیر در یک مرکز پزشکی در قم، اعلام کرد: «متأسفم از این دوقطبی که ایجاد شده است و این بسیار بد است که ما مردم، خشونت کلامی با یکدیگر داریم و این نوع مواجهات خیلی نازیبایی است که صورت می‌گیرد.»

در حقیقت، این موضع‌گیری بسیار محتاطانه، حداقل چیزی است که از «دستیار رئیس‌جمهور در پیگیری حقوق و آزادی‌های اجتماعی» در برابر چنان حادثه‌ای انتظار می‌رود. اگر وی همین اندازه هم موضع نگیرد، پس اساساً برای چه منظوری مأمور پیگیری «حقوق و آزادی‌های اجتماعی» از جانب رئیس‌جمهور شده است؟

با این حال، جماعتی که ظاهراً خود را «انقلابی اصیل» و «ارزشی خالص» می‌دانند، همین اندازه را هم تاب نیاورده‌اند و در فضای مجازی او را هدف اتهام‌های رنگارنگ قرار داده‌اند.

اینکه جماعتی اعتقادات مخصوص خود را داشته باشند و به اظهارنظرهای مغایر معتقدات خود، حملهٔ لفظی کنند، امری مرسوم در جهان امروز است و چاره‌ای جز تحمل و رواداری در برابر آن نیست. مشکل، اما آنجا رخ می‌نماید که چنین جماعاتی بخواهند در عرصهٔ عمل نیز اعتقادات خود را بر دیگران تحمیل کنند و آنان را منقاد و مطیع خود سازند.

متأسفانه جماعت مذکور چنین داعیه‌ای دارند و آن را هم تحت عنوان «سیاست نظام» معرفی می‌کنند. در چنین مواردی به‌خصوص شخص رئیس‌جمهور حداقل باید به‌طور علنی و رسمی از دستیار خود به دفاع برخیزد تا علامت لازم به جامعه داده شود. اگر جز این باشد، نه‌فقط ایجاد چنین پستی در قوهٔ اجرایی عملی لغو و بیهوده است بلکه سکوت رئیس قوهٔ مجریه به معنای تسلیم شدن در برابر فشار روانی مهاجمان و به دست بالای آنان در قدرت تعبیر می‌شود.

به هر حال، فشارهای فزایندهٔ روانی این افراد بر یک مقام مسئول، بدون وجود یک حمایت مؤثر از داخل حکومت، معمولاً بی‌اثر نیست و سبب کناره‌گیری آن فرد از مسئولیتش می‌شود. طبعاً جماعت تندرو، همین را می‌خواهند، اما مفهوم آن برای جامعه نومیدی کامل از هرگونه اصلاح و تحول مثبت در ادارهٔ امور جامعه خواهد بود.

متأسفانه وجود جماعتی تحت عنوان «گروه‌های فشار» که مراکز سازماندهی آن‌ها همیشه محل ابهام و پرسش جامعه بوده است، یکی از اثرگذارترین پدیده‌ها بر سیاست کشور در چند دههٔ گذشته به شمار می‌رود.

این گروه‌های فشار در مراحلی حضور خیابانی داشتند و با حملهٔ فیزیکی به تجمعات سیاسی و مراکز فرهنگی و هنری و یا حتی تیراندازی به سوی هیئت‌های خارجی، نه‌فقط آرامش جامعه را به هم می‌زدند و اسباب رعب و وحشت در بین مردم را فراهم می‌کردند، بلکه موجب خنثی شدن سیاستی اعلام‌شده و غلبهٔ سیاستی مغایر آن می‌شدند.

از زمانی که فضای مجازی عرصهٔ منازعات سیاسی شده است، این جماعت حضور خیابانی کم‌رنگی پیدا کرده‌اند، اما در مقابل، در رسانه‌های مجازی تمرکز و سازماندهی آهنینی به خود گرفته‌اند. آن‌ها از حضور هماهنگ خود در فضای مجازی برای تهدید و حمله به مخالفان و مرعوب کردن آنان بهره می‌برند. این فضاسازی‌های پرفشار روانی اگر تاکنون علیه نیروهای خارج از حکومت و یا حواشی آن بوده، در پی انتخابات اخیر مجلس به سمت نیروهای درون نظام تغییر جهت داده شده است.

در واقع، بزرگترین چالش حکومت در سال آینده نحوهٔ تعامل با این نیرویی است که نمایندگان غیررسمی آن جای پای به نسبت محکمی هم در مجلس پیدا کرده‌اند. آیا قرار است این جماعت که معمولاً هم سر نترسی دارند، بر کل فضا غلبه کنند یا زمان بریدن ناف دستگاه‌های حاکم از آن‌ها فرا رسیده است؟

محمد مهاجری:

قالیباف زمینه را برای ترکتازی خالص سازان فراهم کرد

سرویس سیاسی –اینکه امروز آقای قالیباف قربانی این داستان می‌شود به این دلیل است که آقای قالیباف ممکن است جلوی پیشروی جریان خالص ساز را بگیرد.

اتفاقی که از سال ۹۸ کلید خورد داستان خالص‌سازی و حذف چهره‌های موثر در مسائل سیاسی و فرهنگی کشور بود و همان موقع نیز می‌شد پیش‌بینی کرد کسانی که این بازی را شروع کردند ممکن است روزی علیه خودشان تمام شود.

یک فعال سیاسی اصولگرا در خصوص عملکرد جریان خالص‌ساز اظهار داشت: افرادی مثل آقای قالیباف خوشحال بودند که رقبایشان خط می‌خورند یا در سال ۱۴۰۰ آقای رئیسی خوشحال بود که چندین کاندیدای ریاست جمهوری را حذف کردند تا وی رای بیاورد. در واقع جریان خالص‌ساز به‌دنبال آن است که هر مانعی بر سر پیروزی خود را از سر راه بردارد.

محمد مهاجری گفت: این در حالی است که بعد از مدتی ممکن است همین جریان افرادی که در تیم خودش بودند را مانع تشخیص دهد. اینکه امروز آقای قالیباف قربانی این داستان می‌شود به این دلیل است که آقای قالیباف ممکن است جلوی پیشروی جریان خالص‌ساز را بگیرد.

مهاجری بیان کرد: خود آقای قالیباف هم بی‌تقصیر نیست چرا که وقتی شما زمینه را برای ترکتازی تندروها فراهم می‌کنید باید بدانید که وقتی سیل راه می‌افتد خودی و ناخودی نمی‌شناسد و ممکن است خود آقای قالیباف و حتی پیش‌بینی می‌کنم که آقای رئیسی را هم در خواهند نوردید و از وی هم عبور خواهند کرد.

صنایع چوب
حلاج کیش
کلیه سفارشات
MDF، چوب